



جلسه: ۱۰۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

منابع مالی حکومت اسلامی

منبع پنجم: جهاد مالی

پنجمین منبع از منابع مالی حکومت اسلامی، اموالی است که تحت عنوان «جهاد مالی»، توسط شهروندان در اختیار آن قرار داده می‌شود تا حکومت اسلامی با استفاده از آن اموال، به تقویت بنیه‌ی نظامی پرداخته و از این طریق، مانع از تعدّی به جامعه اسلامی شده و یا در صورت انجام تعدّی، امکان دفاع داشته باشد.

در زمان‌های گذشته، فراهم کردن تجهیزات مورد نیاز برای مقابله با دشمن، مستقیماً توسط خود شهروندان صورت می‌گرفته است؛ چون جنگ‌ها با تجهیزات ابتدایی از قبیل شمشیر، سپر، نیزه، اسب و ... انجام می‌شده است که امکان فراهم کردن آن‌ها برای خود شهروندان وجود داشته است و فرماندهان جنگی صرفاً مدیریت تسلیحات و نیروها را بر عهده داشته‌اند، اما در عصر حاضر تجهیزات و تسلیحاتی که در جنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، در اختیار شهروندان نیست و امکان فراهم کردن نیز برای آن‌ها وجود ندارد؛ لذا از شئون حکومت اسلامی است که در این زمینه تلاش کرده و نیازمندی‌های جنگ را فراهم کند. در این شرایط وظیفه مردم این است که جهاد مالی کرده و با پرداخت اموال خود به حکومت اسلامی، او را در تهیه کردن تجهیزات جنگی و دفاعی مورد نیاز یاری کنند.

وجوب امر به معروف شهروندان توسط حکومت اسلامی در صورت ترک جهاد مالی

با مطالب ذکر شده، منبع مالی بودن جهاد مالی شهروندان اثبات شده و بر مردم واجب است که از اموال خود در این مسیر پرداخت کنند. بحث دیگر در ارتباط با جهاد مالی شهروندان، مربوط به عدم پرداخت اموال به مقدار لازم است به گونه‌ای که اساساً هیچ پرداختی صورت نگیرد و یا اینکه مقدار پرداخت شده، کمتر از مقدار مورد نیاز باشد. در این شرایط با توجه به اینکه جهاد مالی، وظیفه مردم است و از طرف دیگر امر به معروف و نهی از منکر، از وظایف حکومت اسلامی است، بر حکومت اسلامی واجب است که طبق مراحل امر به معروف عمل کند؛ یعنی در مرحله اول، به آن‌ها اعلام کند که باید به وظیفه خود عمل کرده و از اموال خود برای تأمین تجهیزات جنگی پرداخت کنند. در صورتی که این مرحله از امر به معروف مؤثر واقع نشود، حکومت اسلامی می‌تواند مراحل دیگر امر به معروف را اجرا کند و این فرایند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که حکومت اسلامی خودش اقدام به برداشت اموال خواهد کرد و این عملکرد با هیچ منع شرعی مواجه نیست؛ چون شهروندان وظیفه‌ای داشته‌اند که آن را ترک کرده‌اند و دولت از امر به معروف عملی استفاده کرده است؛ کما اینکه در جهاد بدنی نیز به همین صورت است که اگر نیروی کافی آماده نشده باشد، حکومت اسلامی می‌تواند از طریق اجبار، نیروی مورد نیاز برای جهاد را فراهم کند.

البته در جامعه اسلامی اصل بر این است که شهروندان پای‌بند به ضوابط شرعی و تکالیف خود هستند و در اکثر موارد نیازی نیست که حکومت اسلامی از مرتبه سوم امر به معروف استفاده کند؛ کما اینکه در باب خمس و زکات نیز که از تکالیف مالی هستند، متشرعه در پرداخت آن کوتاهی نمی‌کنند و بدون الزام حکومتی، پرداخت می‌گردند.



جلسه: ۱۰۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

اختصاص جهاد مالی به مردان

تاکنون اصل لزوم جهاد مالی بر شهروندان ثابت گردید. البته این بحث دارای جزئیات و فروع بسیاری است که باید در کتاب جهاد مورد بررسی قرار گیرد. اما در این مجال صرفاً نکته ای اضافه می شود که بر اساس روایت اصبع بن نباته، جهاد مالی اختصاص به مردان دارد و بر زن ها واجب نیست الا اینکه ضرورتی وجود داشته و حفظ جان مردم متوقف بر کمک کردن زنان باشد که از این جهت پرداخت اموال توسط زنان نیز واجب خواهد بود. در غیر این صورت و در شرایط عادی، جهاد مالی بر زنان واجب نیست. در روایت اصبع بن نباته آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْجَوْزَاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَذَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ.^۱

بر اساس این روایت، بر زنان، جهاد اصطلاحی اعم از بدنی و مالی واجب نیست، بلکه جهاد زن این است که بر اذیت های شوهر و غیرتی که نشان می دهد، صبر کند. این روایت مخصص ادله دال بر وجوب جهاد مالی است و زنان را از ذیل آن خارج می کند.

منبع ششم: زکات

ششمین منبع از منابع مالی مطرح شده برای حکومت اسلامی، اموالی است که تحت عنوان «زکات» پرداخت می شود. زکات از واجبات مالی است که در موارد مشخص و با شرایطی که در فقه مطرح شده، پرداخت آن واجب است و مصارف مشخصی نیز برای آن تعیین شده است. اما اینکه لازم است زکات به حکومت اسلامی پرداخت شود و یا اینکه خود مردم امکان صرف آن در مصارف تعیین شده را دارند، محل بحث واقع شده است. بحث حاضر درباره این است که زکات منبع مالی برای حکومت اسلامی است و بر مردم واجب است که زکات اموال خود را به حکومت پرداخت کنند و یا حداقل حکومت اسلامی حق دارد که از مردم مطالبه داشته باشد و یا اینکه اساساً هیچ یک از دو احتمال ذکر شده، صحیح نیست و به صورت کلی، زکات جزو منابع مالی حکومت اسلامی محسوب نمی شود، بلکه وظیفه اجتماعی خود مردم است که بخشی از اموال خود را در اختیار گروه های تعیین شده قرار دهند. در باب زکات نظریاتی از سوی فقها مطرح شده است:

نظریه اول: وظیفه مردم است که در زمان حضور امام علیه السلام، زکات خود را به امام علیه السلام و در زمان غیبت، به فقهای جامع الشرایط پرداخت کنند.

نظریه دوم: در زمان حضور امام علیه السلام واجب است که زکات به امام علیه السلام پرداخت شود، اما در زمان غیبت واجب نیست که به فقها پرداخت گردد، بلکه مردم در پرداخت آن به مستحقین زکات آزاد هستند.

نظریه سوم: در زمان حضور امام علیه السلام، به ایشان پرداخت می شود و در زمان غیبت، بین اموال ظاهری و باطنی تفصیل وجود دارد که اموال ظاهری باید به امام علیه السلام پرداخت شود، اما اموال باطنی در اختیار صاحب مال است.

۱. وسائل الشیعة ۱۵: ۲۳.



جلسه: ۱۰۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

نظریه چهارم: در زمان حضور و غیبت، به صورت مطلق پرداخت زکات به امام علیه السلام واجب نیست و توسط خود شخص انجام می‌گیرد.

بحث حاضر متمرکز بر نظریاتی است که پرداخت به امام علیه السلام را واجب دانسته است و بر اساس آنها، زکات به صورت مطلق و یا حداقل فی الجمله، جزو منابع مالی حکومت اسلامی محسوب می‌شود.

البته لزوم پرداخت زکات به حکومت اسلامی می‌تواند به صورت ابتدایی و بدون مطالبه حکومت ثابت باشد و همچنین می‌تواند بعد از مطالبه آن واجب گردد. این خصوصیات نتیجه متفاوتی به لحاظ منبع مالی بودن ندارد و لذا نسبت به این جهات حساسیت وجود ندارد و اصل لزوم پرداخت زکات به حکومت اسلامی اعم از لزوم ابتدایی و یا بعد از مطالبه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که چنین لزومی اثبات شود، منبع مالی بودن زکات برای حکومت اسلامی را به دنبال خواهد داشت.

تعدادی از فقها که متعرض بحث از زکات شده‌اند، پرداخت آن به امام علیه السلام را واجب ندانسته‌اند. در مقابل این دسته از فقها، فقهای همچون شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، شیخ طوسی قرار دارند که قائل به وجوب پرداخت زکات به امام علیه السلام شده‌اند. از معاصرین نیز تعدادی از فقها این نظریه را پذیرفته‌اند. بنابراین در عین وجود اختلاف در بین این دسته از فقها، فی الجمله وجوب پرداخت زکات به امام علیه السلام را پذیرفته‌اند. بر اساس این نظریات، در صورتی که زکات به امام علیه السلام پرداخت نشده و خود مکلف اقدام به پرداخت کند، کافی نخواهد بود؛ آلا اینکه خود حکومت اجازه داده باشد؛ کما اینکه در عصر حاضر این چنین است و ولی امر پرداخت زکات مردم را به همین نحوی که انجام می‌دهند، امضا کرده است. وجه دیگر برای تصحیح پرداخت زکات به نحو کنونی، متعدّد دانستن ولی فقیه است. به هر حال وقتی زکات اختصاص به ولی امر داشته باشد، دیگران نمی‌توانند دریافت کنند.

ادله وجوب پرداخت زکات به حکومت اسلامی

درباره وجوب پرداخت زکات به حکومت اسلامی، ادله ای قابل طرح است.^۱

دلیل اول: آیه ۱۰۳ سوره توبه

اولین دلیل برای اینکه زکات جزو منابع مالی حکومت اسلامی و در اختیار حاکم است، آیه ۱۰۳ سوره توبه است:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ - إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

خداوند متعال در این آیه شریفه، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر کرده است که از مردم صدقه دریافت کند. از طرف دیگر امر، ظهور در وجوب دارد. در نتیجه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب است که زکات را از مردم بگیرد که لازمه‌ی وجوب دریافت زکات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که بر مردم نیز واجب باشد که زکات خود را به ایشان پرداخت کنند؛ چون اگر بر مردم نیز پرداخت کردن به ایشان واجب نباشد و آن‌ها بنا نداشته باشند که زکات خود را تحویل دهند، امکان عمل کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وظیفه‌ی خود وجود نخواهد داشت و تکلیف ایشان به دریافت زکات، تکلیف به مالایطاق می‌شود.

۱. یکی از ادله ای که ممکن است بر وجوب پرداخت زکات به امام علیه السلام و ولی امر مطرح شود، وجود شناخت بهتر در ایشان نسبت به مصارف زکات است؛ لذا باید زکات به آن‌ها پرداخت شود تا به مصرف خود برسد. اما ضعف این مطلب روشن است؛ چون لزوماً این چنین نیست که شناخت کسی که زکات پرداخت می‌کند، کمتر از امام علیه السلام و ولی امر باشد، بلکه چه بسا شخص خاصی وجود داشته باشد که به دلیل ویژگی‌هایی که در او وجود دارد، از شناخت بهتری بهره‌مند باشد.



جلسه: ۱۰۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

مطلب دیگر برای استدلال به آیه ذکر شده این است که مقصود از تعبیر «صدقه»، همان زکات اصطلاحی است. برای تقریب این مطلب، روایتی قابل اشاره است که آیه شریفه را تفسیر و مقصود از آن را روشن کرده است.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع نَزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ) فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَعْرِضْ لِسَيِّءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَلِيلٍ فَصَامُوا وَأَفْطَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَوَاتُكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عَمَّالَ الصَّدَقَةِ وَعُمَّالَ الطُّسُقِ.^۱

در این روایت امام صادق علیه السلام به آیه ۱۰۳ سوره توبه اشاره کرده و از آن با عنوان آیه زکات یاد کرده و به توضیح و تبیین آن پرداخته‌اند که در ماه مبارک رمضان نازل شده و بعد از نزول آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از منادی می‌خواهند که در بین مردم ندا دهد که خداوند همان طور که نماز را بر مردم فریضه قرار داده، زکات را هم فریضه قرار داده است. البته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از اعلام وجوب زکات، تا یکسال متعرض اموال مردم نمی‌شوند تا اینکه سال آینده نیز روزه گرفته و افطار می‌کنند و سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منادی امر می‌کنند که در بین مردم ندا دهد که اموال خود را تزکیه کنند تا نماز آن‌ها مورد قبول واقع شود. خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز عمال زکات می‌فرستاده‌اند تا از مردم زکات دریافت کنند. بنابراین این روایت به روشنی دلالت دارد که مقصود از «صدقه»، در آیه سوره توبه، زکات است و امر نیز ظهور در وجوب دارد که بر اساس آن، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت زکات و بر مردم نیز پرداخت آن واجب بوده است.

مناقشه

مناقشاتی بر استدلال به آیه ۱۰۳ سوره توبه قابل طرح است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مناقشه اول: متعین نیست که امر به دریافت زکات از مردم، به صورت وجوبی بوده باشد، بلکه ممکن است برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ترخیص باشد که اگر خواستند، بتوانند از چنین اموالی دریافت کنند.

البته این اشکال خدشه‌ای بر منبع مالی بودن زکات وارد نمی‌کند؛ چون حتی در صورتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت می‌کنند، برای خودشان نیست، بلکه برای مصارف هشت‌گانه‌ای است که برای زکات تعیین شده است. تنها نکته‌ی حائز اهمیت این است که منوط به درخواست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و وقتی ایشان درخواست داشته باشند، از باب دستور ایشان، بر مردم واجب خواهد بود که زکات خود را پرداخت کنند؛ چون وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حق داشته باشند که زکات را دریافت کنند، از باب عدم لغویت جعل چنین حقی برای ایشان، باید پرداخت کردن بر مردم واجب باشد.

به نظر ما با توجه به اینکه لیه، در مقام دفع توهم حظر نبوده است، ظهور در جعل ابتدایی خداوند متعال دارد و به جهت استفاده شدن از هیئت امر، از آن وجوب برداشت می‌شود. بنابراین این چنین نیست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بین دریافت و عدم دریافت زکات مختار باشند، بلکه تکلیف ایشان بر دریافت است که وجوب علی‌ایّ حال را بر مردم نتیجه می‌دهد.



جلسه: ۱۰۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

مناقشه دوم: امر به دریافت زکات از مردم این چنین نیست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صورت ابتدا به ساکن اقدام به دریافت زکات داشته باشند، بلکه به این معنا است که اگر خود مردم حاضر به پرداخت زکات شدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زکات آن‌ها را دریافت کند تا موجب تطهیر و تزکیه آن‌ها گردد.

پاسخ از مناقشه دوم این است که اولاً: در خود آیه شریفه، تعبیری همچون «ان اعطوا» به کار نرفته است، بلکه به صورت مطلق امر به دریافت شده است. ثانیاً: حمل آیه بر فرضی که خود مردم اقدام به پرداخت کرده باشند، خلاف روایت عبدالله بن سنان است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منادی را امر کرده‌اند که در بین مردم لزوم پرداخت کردن زکات را ندا دهد. بنابراین در آیه شریفه، امر ابتدایی به دریافت شده است.

مناقشه سوم: استدلال به آیه شریفه در صورتی ممکن است که امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دریافت زکات، به جهت والی بودن ایشان باشد، در حالی که محتمل است این مسئله از اختصاصات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده باشد که در این صورت، نهایتاً امکان تعدی به ائمه معصومین علیهم السلام وجود دارد، اما امکان تعدی به منصوب‌های ایشان وجود ندارد؛ لذا اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله والی تعیین کرده، ولی به او امر به دریافت زکات نکرده باشد، صرف اعطای منصب به او موجب نمی‌شود که حق دریافت زکات داشته باشد؛ کما اینکه تعدی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به فقیه در عصر غیبت نیز مشکل است.^۱ البته اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصی را منصوب برای دریافت زکات کرده باشند یا اینکه در کنار یک مسئولیت دیگر، این حق را نیز به او اعطا کرده باشند، امکان دریافت زکات برای آن‌ها وجود خواهد داشت. در زمان‌های گذشته رسم بر این بوده است که چند نفر نصب می‌شده‌اند. یک نفر مسؤول بیت المال، نفر دیگر مسؤول اداره‌ی شهر و گاهی نیز افرادی برای جمع‌آوری زکات نصب می‌شده‌اند.

نتیجه این است که آیه ۱۰۳ سوره توبه، به صورت فی الجمله دلالت دارد که زکات از منابع مالی حکومت اسلامی در زمان معصومین علیهم السلام است؛ چون آیه شریفه، مسلماً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را شامل می‌شود و بعید نیست که بتوان به ائمه علیهم السلام نیز تعدی کرد.

دلیل دوم: آیه ۶۰ سوره توبه

دلیل دوم بر منبع مالی بودن زکات برای حکومت اسلامی، آیه ۶۰ سوره توبه است:

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ - وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا - وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ - وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ - وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ - وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

تمسک به این آیه، این چنین است که قرآن کریم برای زکات، عامل تعیین کرده است که بهترین شاهد برای این است که زکات از منابع مالی حکومت اسلامی است؛ چون عامل کسی است که از طرف حاکم و ولی امر اقدام به جمع‌آوری زکات می‌کند و در ازای

۱. در هر موردی که احتمال داده شود که از اختصاصات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد، تعدی به غیر از ائمه علیهم السلام مشکل خواهد بود؛ چون ائمه علیهم السلام همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصوم هستند، اما تعدی به غیر ایشان مشکل است؛ لذا امام خمینی در عین اینکه قائل به ولایت مطلقه فقیه بوده‌اند، جهاد ابتدایی را از وظایف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام دانسته‌اند و برای فقیه چنین جایگاهی را ثابت ندانسته‌اند؛ چون در قرآن کریم، خطاب «جاهد الکفار و المنافقین» خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و احتمال داده می‌شود که از احکام اختصاصی ایشان بوده باشد و دیگران از چنین جایگاهی برخوردار نباشند. مثال دیگر وجوب تعیینی نماز جمعه است که در نظر امام خمینی، از اختصاصات معصوم علیه السلام است.



جلسه: ۱۰۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

عملی که انجام می‌دهد، سهمی از زکات خواهد داشت. متفاهم عرفی این است که عاملین، زکات را برای حکومت جمع‌آوری می‌کنند تا تحویل حاکم دهند و حاکم زکات‌های جمع‌آوری شده را در محل خود به مصرف می‌رساند.

مناقشه

دو مناقشه بر استدلال ذکر شده قابل طرح است:

مناقشه اول: تعیین عامل برای زکات منحصر در این نیست که جمع‌آوری زکات را برای حکومت انجام دهد؛ چون عامل زکات کسی که زکات را جمع‌آوری می‌کند. بیش از این مقدار درباره عامل لازم نیست. از طرف دیگر ممکن است یک فرد داوطلب شده باشد که زکات‌های مردم را جمع‌آوری کرده و در مصارف آن صرف کند. در این صورت سهمی از زکات برای خود او خواهد بود و باقیمانده نیز در بین مستحقین زکات تقسیم می‌شود.

اما روایات متعددی وجود دارد که دلیل می‌شوند بر اینکه عمّال این چنین نبوده‌اند که خودشان داوطلب شوند بلکه از طرف حکومت تعیین می‌شده‌اند. این مطلب در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و حتی سایر حکام غیرمشروع نیز وجود داشته است که عامل تعیین می‌کرده‌اند. بنابراین روشن می‌شود که امر جا افتاده‌ای بوده است که عامل زکات، از طرف حکومت تعیین می‌شده است. در عین حال روشن نیست که صدق عامل منحصر در این افراد باشد؛ یعنی اگرچه تعبیر عامل مسلماً بر منصوبین از طرف حکومت صدق می‌کند، اما نسبت به سایرین شبهه وجود دارد؛ چون سیره بر این نبوده است که هر کسی خودش عامل جمع‌آوری گردد، بلکه حتی می‌آمدند و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای عامل بودن اجازه می‌گرفتند که این مطلب مانع از انعقاد اطلاق در آیه شریفه می‌شود.

مناقشه دوم: بر فرض پذیرفته شود که عامل بر کسانی که داوطلبانه اقدام به جمع‌آوری زکات می‌کنند، صادق باشد، اما آیه شریفه در مقام بیان شرایط نیست تا از آن اطلاق‌گیری شده و شمول آن نسبت به عاملین داوطلبانه مورد استناد قرار گیرد. وقتی آیه اطلاق نداشته باشد، باید به قدر متیقن اکتفا شود که با توجه به روایات و سیره ائمه علیهم السلام، قدر متیقن، عامل منصوب از طرف حکومت است. اما نسبت به حکومت در مقام بیان نیست و روشن نیست که حتی نسبت به حکومت غیرمعصومین علیهم السلام هم شامل باشد؛ چون اگرچه خداوند متعال برای عاملین سهم قرار داده است، اما این چنین نیست که وجود عامل در همه زمان‌ها لازم باشد، بلکه ممکن است همانند مؤلفه قلوب یا ابن السبیل باشد که هر وقت وجود داشته باشد، سهم خواهد داشت. اما اگر عاملی وجود نداشت، سهم از زکات هم برای آن‌ها نخواهد بود.

بنابراین احتمال داده می‌شود که زکات اختصاص به حکومت معصوم علیه السلام داشته باشد که طبق این احتمال، اگر حکومت معصوم علیه السلام وجود داشته باشد، زکات منبع مالی برای آن خواهد بود و در صورتی که حکومت معصوم علیه السلام تحقق نیافته باشد، خود مردم مستقل خواهند بود. بنابراین استدلال به آیه با شبهه مواجه است.

دلیل سوم: روایات حاکی از سیره ائمه علیهم السلام

دلیل سوم برای منبع مالی بودن زکات برای حکومت اسلامی، روایات حاکی سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است که برای جمع‌آوری زکات، عامل می‌فرستاده‌اند. نصب و اعزام عامل برای جمع‌آوری زکات حاکی از این است که معصومین علیهم السلام حق دریافت زکات به عنوان منبع مالی حکومت را داشته‌اند. همین مقدار که معصومین علیهم السلام اختیار جمع‌آوری زکات داشته‌اند، برای منبع مالی بودن زکات کافی است.



جلسه: ۱۰۷
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

روایت اول: صحیحہ عبدالله بن سنان

روایت اول برای تعیین عامل زکات توسط معصومین علیهم السلام، صحیحہ عبدالله بن سنان است که چند سطر پیش و در ذیل آیه ۱۰۳ سوره توبه به آن اشاره گردید و بر اساس این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منادی دستور می‌دهند که مردم را امر به تزکیه اموال خود کند. در نتیجه مأمور از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

روایت دوم: صحیحہ حلبی

وَعَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ] عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا يُعْطَى الْمُصَدَّقُ قَالَ مَا يَرَى الْإِمَامُ وَلَا يَقْدَرُ لَهُ شَيْءٌ^۱

در این روایت درباره چیزی که به عامل زکات پرداخت می‌شود، سؤال شده و امام علیه السلام در پاسخ فرموده‌اند: مقدار مشخصی ندارد و هر مقدار که امام علیه السلام صلاح بدانند به او پرداخت می‌شود. در نتیجه مشخص می‌شود که امام علیه السلام عامل می‌فرستاده‌اند و در تعیین مقداری هم که به او داده می‌شده، مختار بوده‌اند.

روایت سوم: صحیحہ عیسی بن قاسم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ أَنْاسَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَنْتَوَا رَسُولَ اللَّهِ ص - فَسَأَلُوهُ أَنْ يَسْتَعْمِلَهُمْ عَلَى صَدَقَاتِ الْمَوَاشِي وَ قَالُوا يَكُونُ لَنَا هَذَا السَّهْمُ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْعَامِلِينَ عَلَيْهَا فَتَحْنُ أَوَّلِي بِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص - يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ - إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِي وَ لَا لَكُمْ وَ لَكِنِّي قَدْ وُعِدْتُ الشَّفَاعَةَ إِلَى أَنْ قَالَ أَ تَرُونِي مُؤَثَّرًا عَلَيْكُمْ غَيْرَكُمْ؟^۲

بر اساس این روایت، عده‌ای از بنی‌هاشم خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده و از ایشان درخواست می‌کنند که آن‌ها را عامل زکات قرار داده و سهمی برای آن‌ها قرار دهد. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به آن‌ها بیان می‌کنند که صدقه بر آن‌ها حلال نیست و نمی‌توانند عامل باشند.

از این روایت نیز استفاده می‌شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عامل می‌فرستاده‌اند و عاملین هم دارای سهمی از زکات بوده‌اند و همین امر موجب شده است که عده‌ای از بنی‌هاشم نیز درخواست چنین چیزی داشته باشند، ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن‌ها را رد کرده است.

تاکنون به دو روایت اشاره گردید که سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام بر این بوده است که عامل زکات تعیین می‌کرده‌اند. ادامه روایات در جلسه آینده مطرح خواهد شد.

۱. وسائل الشیعة ۹: ۲۱۱.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۲۶۸.